

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه ادیان و عرفان

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: ادیان و عرفان

## عنوان:

مقایسه جایگاه عقل و عشق از منظر قرآن و روایات  
با ابن عربی (عرفان)

## استاد راهنما:

دکتر سیدمحمد بنی هاشمی

## استاد مشاور:

دکتر عبدالرضا مظاهری

## پژوهشگر:

حسین مراغه چیان

تابستان ۱۳۹۱

## تقدیم بہ:

آنکہ محبوب اصل الہی و محب حقیقی خداست  
و آنکہ عقل کل است و کل عقل  
و ہستی دائر مدار وجود ذمی خود اوست،  
خاتم الانبیاء محمد مصطفیٰ (ص)  
ہموکہ برای ہدایت خلق بیشترین رنج را متحمل شد.

## سپاسگزاری:

از دست و زبان که برآید      کز عهده‌ی شکرش به درآید

سپاس ایندمنان را که شوق علم آموزی را در من ایجاد کرد و مقدمات کسب آن را برایم فراهم نمود. مرایاری داد تا این رساله را به پایان برم و اساتیدی دلسوز و متعهد سرارام قرار داد. همانا که در طول مراحل تدوین رساله از آنها بهره بردم. صمیمانه از تمام آنها قدردانی می‌نمایم. بخصوص اساتید فریخته آقایان دکتر بنی هاشمی و دکتر مظاهری که زحمات راهنمایی و مشاوره‌ی اینجانب را عهده‌دار شدند و مرا از راهنمایی‌های خود در طول کار بی‌نصیب نگذاشتند. و همچنین کمال قدردانی را از همسرم دارم، او که مرا تحمل نمود و مساعدت کرد تا کار رساله به اتمام برسد. پدر و مادرم نیز در پشتوانه‌ی من در طول دوران زندگانیم و مشوقم برای یکسری کار رساله بودند. بردست این دو کوه اعطائی خداوند به من بوسه‌ی تقیر بر می‌زنم و از آنها، همسرم، اساتیدم، و تمام آنها که در طول دوران حیات علمیم مرایاری دادند و راهنمایی کردند، کمال شکر و قدردانی را دارم و از خداوند منان برای همه آنها طلب خیر و برکت می‌نمایم و امیدوارم تا پایان عمر از علم و دانش و سرچشمه‌های آن فاصله نگیرند.

## تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب حسین مراغه چیان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۴۹۵۰۵۰۰ در رشته ادیان و عرفان که در تاریخ ..... از پایان نامه خود تحت عنوان: مقایسه جایگاه عقل و عشق از منظر قرآن و روایات با ابن عربی (عرفان) با کسب نمره ..... و درجه ..... دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

**نام و نام خانودگی:**

**تاریخ و امضاء:**

## بسمه تعالی

در تاریخ .....

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای حسین مراغه چیان از پایان نامه خود دفاع نموده و

با نمره ..... به حروف ..... و با درجه .....

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## چکیده:

پرواضح است که عقل و عشق از موضوعاتی بوده اند و هستند که طرفداران و مخالفان زیادی داشته اند و دارند. در جوامع مختلف گروهی به عنوان عقل گرایان شناخته شده اند که در رأس آنها فلاسفه هستند. آنها عقل را منبع ادراک معرفی می کنند و برایش جایگاه والایی قائلند. عرفا و صوفیان در مقابل سنگِ عشق و واردات قلبی و شهودات نفسانی را به سینه می زنند. این دو در مقابل هم صف آرایی کرده اند. ادیان نیز به این حقیقت نگاهی را ارائه کردند. از این میان اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین نظر خاصی به عقل و عشق افکند.

در این رساله در ابتدا کوشیده شده است، نگاه اسلام البته از منظر شیعی به دو حقیقت عقل و عشق روشن گردد. در آغاز از معنای لغوی و مفهوم عقل کار شروع می شود و در آیات و روایات ادامه می یابد. عناوینی مثل مستقلات عقلیه، تفاوت عقل و فکر، نشانه ها و حجاب های عقل و ... از مباحث بخش های آغازین است. در ادامه به عشق با همان شیوهی عقل نگاه کردم و عنوان نخست پایان یافت. در ادامه با نظر به نگاه عرفان اسلامی به عقل و عشق به خصوص ابن عربی و اکاوی عقل و عشق در منظر او آغاز شد و بحث ادراکات عقلی، خطاپذیری، حدود عقل و ... بررسی شد و عشق و واردات قلبی با موضوعات جذاب حیرت، انگیزه‌ی عشق، رابطه عشق و زیبایی و ... ادامه یافت و در نهایت به مقایسه ای اجمالی همت گماردم.

نتایج مهم رساله اینکه، عقل در نزد دین جایگاهی بس والا و مقدس دارد و از مهم ترین منابع ادراک است و عشق باید توسط آن رهبری شود. لذا عشق ممدوح و مذموم داریم. می شود وجوهی تصور کرد که عقل و عشق نه در تقابل با هم که همسوی با هم انسان را تکامل بخشند و سیر دهند. شیخ اکبر برای عقل حدودی طرح می کند و قلب را محل نزول معرفت حقیقی معرفی می کند و شهودات را ارج می نهد.

هدف رساله تبیین نگاه دین و ابن عربی به دو مقوله عقل و عشق بود و شیوهی کار کتابخانه ای بود و در این راستا کتب اصلی و شروح و کتب معاصرین نیز مورد دقت قرار گرفت و از مشاوره‌ی حضوری اساتید هم بهره بردم و با فیش برداری و گردآوری مطالب به تدوین آنها پرداختم و کار را به پایان بردم.

ماحصل آنکه ارزش و مقام عقل و عشق در دین و کلام شیخ یکسان نیست و آنگونه که من یافتم در دین ورزی مقام عقل برتر است و در عرفان عشق پرتوانتر می نماید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول - مقدمه و کلیات تحقیق</b>	
۲	۱-۱- مقدمه .....
۵	۲-۱- بیان مسئله .....
۵	۳-۱- اهداف تحقیق .....
۵	۴-۱- اهمیت و موضوع تحقیق .....
۶	۵-۱- سؤالات و فرضیه های تحقیق .....
۶	۶-۱- مدل تحقیق .....
۶	۷-۱- روش تحقیق .....
<b>فصل دوم - عقل در آیات و روایات</b>	
۸	۱-۲- عقل در لغت .....
۱۱	۲-۲- وجدانی بودن شناخت عقل .....
۱۶	۳-۲- توصیف عقل .....
۱۶	۲-۳-۱- بداهت معنای عقل .....
۱۷	۲-۳-۲- ذهنی و فکری نبودن عقل .....
۱۸	۲-۳-۳- عدم شناخت نسبت به کیفیت حصول عقل .....
۱۹	۲-۳-۴- اختیاری نبودن عقل .....
۲۰	۲-۳-۵- حدوث و تجدد عقل .....
۲۰	۲-۴- شواهدی از قرآن کریم در بحث عقل .....
۲۱	۲-۴-۱- سوره بقره، آیه ۱۶۴ .....
۲۲	۲-۴-۲- سوره غافر، آیه ۶۷ .....
۲۳	۲-۴-۳- سوره انعام، آیه ۳۲ .....



۲۳	..... ۴-۴-۲ - سوره صافات، آیه‌ی ۱۳۶-۱۳۸
۲۳	..... ۵-۴-۲ - سوره بقره، آیه‌ی ۱۷۱
۲۵	..... ۶-۴-۲ - سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۴۲
۲۶	..... ۷-۴-۲ - سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۴۴
۲۷	..... ۸-۴-۲ - سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۳
۲۷	..... ۹-۴-۲ - سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۷۵
۲۸	..... ۵-۲ - عقل در روایات
۳۲	..... ۶-۲ - مستقلات عقلیه
۳۶	..... ۷-۲ - معرفت نور عقل
۳۷	..... ۸-۲ - معرفت عقل، بالعقل صورت می‌گیرد
۴۰	..... ۹-۲ - معرفت عقل در عین احتجاب آن
۴۳	..... ۱۰-۲ - حجیت عقل
۴۵	..... ۱-۱۰-۲ - شواهدی نقلی
۵۲	..... ۱۱-۲ - عقل و فکر
۶۱	..... ۱۲-۲ - نشانه‌های عقل
۷۰	..... ۱۳-۲ - حجاب‌های عقل
۷۱	..... ۱-۱۳-۲ - حجاب هوی و شهوت
۷۴	..... ۲-۱۳-۲ - حجاب غضب
۷۵	..... ۳-۱۳-۲ - حجاب طمع
۷۶	..... ۴-۱۳-۲ - حجاب اَمَل
۷۷	..... ۵-۱۳-۲ - حجاب کثرت لهو
۷۸	..... ۶-۱۳-۲ - حجاب کثرت هزل
۷۸	..... ۷-۱۳-۲ - حجاب عجب

۷۹	..... ۲-۱۳-۸- حجاب کبر
۸۰	..... ۲-۱۳-۹- حجاب همنشینی با جاهل
۸۱	..... ۲-۱۳-۱۰- حجاب دنیا دوستی
<b>فصل سوم: عشق در آیات و روایات</b>	
۸۶	..... ۳-۱- عشق در لغت
۸۸	..... ۳-۲- عشق در آیات قرآنی
۸۸	..... ۳-۲-۱- سوره ی مائده، آیه ی ۵۴
۹۲	..... ۳-۲-۲- سوره ی بقره، آیه ی ۱۶۵
۹۵	..... ۳-۳- عشق در روایات
۱۰۰	..... ۳-۴- انواع عشق
<b>فصل چهارم: عقل در عرفان ابن عربی</b>	
۱۱۱	..... ۴-۱- چرا شیخ اکبر؟
۱۱۲	..... ۴-۲- عقل در دیدگاه ابن عربی
۱۱۳	..... ۴-۳- ادراکات عقل
۱۱۵	..... ۴-۴- قوای ادراکی انسان
۱۱۶	..... ۴-۴-۱- قوه ی حسی
۱۱۶	..... ۴-۴-۲- قوه ی خیال
۱۱۶	..... ۴-۴-۳- قوه ی تفکر
۱۱۷	..... ۴-۴-۴- قوه ی عقل
۱۱۷	..... ۴-۴-۵- قوه ی ذکر (ذاکره)
۱۱۷	..... ۴-۵- فقر عقل
۱۱۹	..... ۴-۶- خطای عقل
۱۲۱	..... ۴-۷- حدود عقل

۱۲۴	..... ۸-۴- تذکّاری مجدد
۱۲۶	..... ۹-۴- حقیقت عالم
۱۳۰	..... ۱۰-۴- معیاری متعالی
۱۳۲	..... ۱۱-۴- «قلب» محلّ معرفت عارفان

### فصل پنجم : عشق در عرفان ابن عربی

۱۳۷	..... ۱-۵- عشق در منظر عرفان ابن عربی
۱۳۷	..... ۲-۵- چیستی عشق
۱۴۱	..... ۳-۵- عشق در هستی
۱۴۴	..... ۴-۵- انگیزه‌ی عشق
۱۴۶	..... ۵-۵- جمال الهی
۱۴۸	..... ۶-۵- تقدّم عشق بر جمال
۱۵۱	..... ۷-۵- خدا زیباست
۱۵۲	..... ۸-۵- عشق و حیرت
۱۵۵	..... ۹-۵- عشق مجازی
۱۶۱	..... ۱۰-۵- شیخ اکبر و عشق مجازی
۱۶۸	..... ۱۱-۵- تمایزات عقل و عشق در تصوف اسلامی

### فصل ششم: نتیجه گیری

۱۷۳	..... ۱-۶- ماحصل
۱۷۵	..... فهرست منابع

## فصل اول – مقدمه و کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه :

از دیرباز عقل و عشق از موضوعاتی بوده‌اند که توجه اندیشمندان نقاط مختلف را به خود معطوف داشته‌اند. هر دانشمندی متناسب با نگاه خویش به این دو حقیقت توجه نموده و کوشیده تبیینی براساس باورهایش در این موضوع ارائه دهد. برخی اندیشمندان متمایل به عقل بوده‌اند و برخی متمایل به عشق.

از این میان عده‌ای متعادل‌تر بوده‌اند و عده‌ای افراطی‌تر. در بُعد افراطی حتی گاهی کار به نزاع کشیده شده است. اصحاب عقل در مقابل اصحاب عشق صف‌آرایی کرده‌اند و هر یک کوشیده‌اند حقیقت خویش را به رُخ دیگری بکشند. فلاسفه طلایه‌داران حمایت از عقل شدند و عقل را منزلتی والا قائل گردیدند و آن را واجد توانایی یافتن حقایق دانستند و با این پیش‌فرض کوشیدند، حقایق عالم را کشف عقلانی کنند.

در مقابل صوفیان و عارفان حامیان جدی عشق بودند و چون جایگاه عشق، دل می باشد به احساسات و یافته‌های قلبی توجه نمودند و دل و واردات قلبی را کاشف از حقایق دانستند. در مقابل، هر یک منش گروه دیگر را دارای نواقصی دانستند و هر یک براهینی نیز اقامه کردند. عقل‌محوران، یافته‌های قلبی را مستدل ندانستند و عشق‌باوران، استدلال‌ات عقلی را ناستوار و چوبین دانستند.

در جوامع مختلف شاید بتوان این تقابل را یافت. در جامعه‌های شرقی نیز قضیه مستثنی نیست. در این میان ادیان الهی نیز قوت یافتند و کوشیدند موضع خویش را پیرامون عقل و عشق روشن کنند و نگاه خود را به منابع ادراکی انسان مبرهن سازند. اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، کامل‌ترین

ارائه را از این دو مقوله ارائه کرد و برخی مسلمانان کوشیدند خواسته‌های خویش را بر بیانات دینی انطباق دهند .

فلاسفه و عرفای اسلامی ظاهر شدند و هر یک مؤیداتی بر بیانات خود از کتاب و سنت یافتند؛ و این صف‌آرایی هم‌چنان ادامه دارد و هر یک پیروانی برای خود دست و پا کرده‌اند . حتی عدّه‌ای کوشیدند این دو را به هم نزدیک کنند و تقابل را ظاهری بدانند . عدّه‌ای نیز برای هر یک حدّی قائل شدند و با اثبات محدوده ، تقابل را تا حدّی کم‌رنگ کردند .

در این نوشتار با این مقدمه در صددم نگاه دین مبین اسلام البتّه از منظر روایات شیعی را به دو حقیقت عقل و عشق در حدّ توان خود بیان داریم و ببینیم تشیع نسبت به عقل و عشق و یافته‌های هر یک چه جایگاهی قائل است .

در فصل بعدی نیز به عقل و عشق پردازیم ولی از منظر یک عارف نامی ، بزرگ صوفی جهان اسلام، شیخ اکبر ، ابن عربی ، که به حق در افق بالای عرفای اسلامی جای دارد و بعدیهای او وامدار بیانات اویند .

ببینیم شیخ نسبت به عقل و عشق چه نگاهی دارد . آیا عقل را بنابر مذاق عرفانیش کاملاً رد کرده یا محدود نموده و چه باوری نسبت به عشق دارد و یافته‌های قلبی را در چه حد از صحت قلمداد می‌کند .

تا حدّ توان از اظهار نظر شخصی کوشیدم اجتناب کنم و در هر دو حوزه‌ی دین و ابن‌عربی به منابع اولیه مراجعه نمایم و تبیین هر دو نگاه به عقل و عشق را نمودار سازم .

کوشیدم در بحث روایات عمدتاً از کتاب گران سنگ « بحارالانوار » علامه‌ی مجلسی مدد جویم و به آیات قرآنی نیز بالطبع نظر داشتم . در بحث شیخ نیز عمدتاً فتوحات منبع تحقیق بود هر چند به منابع مشابه نیز مراجعاتی نمودم و در حدّ وسعم کوشیدم تحقیقی بی‌غرض ارائه دهم تا مقدمه‌ای باشد برای کار پسینان .

مجدداً در این قسمت از کمک‌ها و زحمات بی‌دریغ اساتید محترم و مرئیان گرامیم کمال تشکر را دارم و بخصوص از جناب آقای دکتر بنی‌هاشمی و جناب آقای دکتر مظاهری که اساتید راهنما و مشاور این جانب بودند و در سیر بحث از نظرات و دیدگاه‌هایشان کمال استفاده را بردم . با این وجود به دلیل نقص علمی و مهارتی این جانب قطعاً تحقیق بدون نقص نیست ، از اساتید محترم و یا دانش‌پژوهان محترم خواستار ارائه‌ی نظرات و دیدگاه‌هایشان هستم تا مطلب کامل‌تر و پخته‌تر شود .

اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱

## ۱-۲- بیان مسئله:

پر واضح است که مقوله‌ی عقل و عشق از موضوعات جنجال آفرین در تاریخ اندیشه‌ی بشر بوده و هست و به نظر خواهد بود. در این تلاطم آراء رساله حاضر نیز کوشیده طرفی ببندد و محصولی ارائه دهد. آیا منبع ادراک انسانی صرفاً عقل است؟ آیا منبع ادراک انسانی صرفاً دل و عشق است؟ آیا این دو حقیقت عقل و عشق در مقابل همدیگر یا هسو یا محدود کننده‌ی یکدیگر؟

نظر تشیع به عنوان اسلام حقیقی نسبت به عقل و عشق چیست؟ آیا امامان شیعه، فلسفه را که نماد عقل گرایی است و عرفان را که سمبل عشق است، ستوده اند یا موضع دیگری داشته اند؟ آیا تشیع عقل را کاملاً تأیید کرده و در همه‌ی حوزه ها راه گشا دانسته و آیا عشق را کاملاً تقبیح کرده و مردود دانسته است؟

نگاه دیگران، نسبت به عقل و عشق چیست؟ ابن عربی به عنوان استوانه‌ی سترگ عرفان اسلامی نسبت به عقل و عشق چه دیدگاهی دارد؟ آیا نگاه او با نگاه کتاب و سنت همسو است یا تفاوت‌هایی دارد یا کاملاً ضد همدیگر؟ اینها مسائلی است که در راستای موضوع رساله باید نگاهی به آنها بیندازیم و بکوشیم در حد توان خویش پاسخی مستدل ارائه دهیم. روشن کنیم که عقل و عشق در تشیع چه جایگاهی دارند و شیخ اکبر به آنها چگونه نظر افکنده است.

## ۱-۳- اهداف تحقیق:

در این تحقیق درصددیم نگاه اجمالی آیات قرآنی و روایات شیعی را و همچنین نگاه اجمالی ابن عربی را به عنوان محور عرفان به دو مقوله عشق و عقل واکاوی کنیم و حد اختلاف و هماهنگیشان را اجمالاً بیان کنیم.

## ۱-۴- اهمیت و موضوع تحقیق:

در بیان اهمیت عنوان رساله همین بس که بزرگانی در این حوزه به صف آرائی فکری در مقابل هم همت گمارده اند و بعضاً حتی یکدیگر را رد و منحرف خوانده اند، عده ای از برجستگان جامعه



اسلامی میل به عقل داشته اند و عده ای عشق محور. لذا پرداختن به این چنین موضوع اهمیت خاص خود را دارد، بخصوص اگر بکوشیم دیدگاه اسلام را پیرامون این دو مقوله ابراز کنیم.

### ۱-۵- سوالات و فرضیه های تحقیق:

- ۱- از مهم ترین منبع ادراک انسان چیست؟
- ۲- آیا عقل می تواند همیشه و همه جا منبع اصلی ادراکات بشری باشد؟
- ۳- آیا عشق در حوزه ی شناخت جایگاهی دارد؟
- ۴- تشیع به عنوان اسلام راستین پیرامون عقل و عشق چه نظراتی ارائه کرده است و آیا آنها را پذیرفته است؟
- ۵- ابن عربی به عنوان عارف برجسته ی اسلامی نسبت به عقل و عشق چه نگاهی دارد؟
- ۶- آیا شیخ لزوماً عقل و عشق را در تقابل با هم می داند؟

### ۱-۶- مدل تحقیق:

مدل تحقیق این رساله به شیوه ی فصل بندی و بخش بندی است.

### ۱-۷- روش تحقیق:

عمدتاً در این رساله شیوه و روش کتابخانه ای بکار گرفته شده است، در این راستا کوشیدم به مهم ترین و اصلی ترین منابع موضوع رساله مراجعه کنم و از دیدگاه اساتید و بزرگان نیز غافل نبودم، البته تا حد امکان به آثار معاصرین هم نظر داشتم و کوشیدم تحقیقی جامع و بی غرض ارائه دهم. با مطالعه منابع رساله و آثار پیشینیان کار فیش برداری و تحلیل را آغاز کردم و با طبقه بندی داده ها، نهایتاً به نگارش مبادرت نمودم و در اثنای کار نوشتن از تجزیه و تحلیل و یاری و مساعدت اساتید فن بهره فراوان بردم.

## فصل دوم – عقل در آیات و روایات

## ۲-۱- عقل در لغت :

پیش از آن که وارد اصل بحث شویم و در این فصل نظر اجمالی کتاب و سنت را در باب عقل بیان کنیم، به عنوان قدم اول لازم است نگاهی به کتب لغت بیندازیم و معنای لغوی عقل را در آن‌ها مشاهده کنیم، تا بعد از آن معنا استفاده کرده و بهتر در مسیر فهم معنای عقل گام برداریم.

- « القاموس العصری » ، « عَقْل » را به معنای « رَبَطَ » دانسته است . پس « عَقْل » نیز هم‌چون « رَبَطَ » به مفهوم بستن است . زمانی که کسی شتری را می‌بندد ، عرب گوید : « عَقَلَ البعیرَ » (الیاس انطون، ۱۳۶۲، ۴۵)

- « اقرب الموارد » ، « عِقَال » را وسیله‌ی بستن معرفی می‌کند. (سعید شرتونی، ۸۱۲)

نتیجه آن‌که : عقل ، نوعی حبس کردن و محدود نمودن است .

- « معجم مقاییس اللغه » : « الْعَقْلُ الْحَابِسُ عَنِ ذَمِيمِ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ . » (احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ۶۹) عقل مانع از گفتار و کردار ناپسند است .

- « لسان العرب » : « الْعَقْلُ الْحَجْرُ وَ النَّهْيُ ، ضِدُّ الْحَمَقِ » (ابن منظور، ۲۰۰۰ م، ج ۱۱، ۴۵۸) «حجر» یعنی حرمت و محدودیت. به همین خاطر ، آن را که ممنوع التّرصّف است ، اصطلاحاً محجور می‌نامند . « نُهی » نیز از نُهی به معنی « بازداشتن » مشتق شده است . علاوه بر این حُمق یا حماقت نیز در مقابل عقل جای دارد .

بر اساس این سخنان ، عقل نوعی حبس و ممنوعیت برای انسان است . انسان در هنگام عاقل‌بودنش ، انجام پاره‌ای اعمال را ممنوع می‌یابد . این حالت به‌خاطر آن است که عقل ، نوعی ادراک و فهمیدن است .

شخص خود را مجاز به انجام اعمال ناشایست نمی‌داند ، زیرا که زشتی آن را می‌فهمد . بنابراین فهم و ادراک عقلانی ، انسان را از لاقیدی خارج می‌کند و به بند تقید می‌کشد . در مقابل ، برای کسی که فاقد این فهم است چنین محدودیتی معنا ندارد . او از هر قید و بندی آزاد است ، چون آنچه را عاقل می‌فهمد ، او نمی‌فهمد . از این عدم فهم ، به حُمو یا حماقت تعبیر می‌شود .

« لسان العرب » در ادامه می‌افزاید : « العاقلُ الَّذِي يَحْسِبُ نَفْسَهُ وَ يَرُدُّهَا عَنْ هَوَاهَا » عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و آن را از آنچه میل دارد ، باز می‌دارد . «  
« أُخِذَ مِنْ قَوْلِهِمْ قَدْ اعْتَقِلَ لِسَانَهُ إِذَا حَبَسَ وَ مُنِعَ الْكَلَامَ . » « این تعبیر ( عاقل ) ، از گفتار عرب گرفته شده که وقتی زبان کسی محبوس گردیده و از سخن گفتن باز داشته شود ، می‌گویند : قَدْ اعْتَقِلَ لِسَانَهُ . » و در پایان ، ابن منظور در بیان وجه تسمیه‌ی عقل ، « تَعَقَّلُ » را در کنار « يَحْبِسُ » می‌نشانند :

« تُسَمَّى الْعَقْلُ عَقْلًا لِأَنَّهُ يَعْقِلُ صَاحِبُهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ أَيْ يَحْبِسُهُ . »

« عقل را عقل نامیده‌اند ، زیرا که دارنده‌ی خود را از فرو غلطیدن به مهلکه‌ها باز می‌دارد . »  
البته روشن است که این بازدارندگی و منع ، منعی درونی است ، نه این که خارجاً از آدمی سلب اختیار کند .

ملاحظه شد که عقل به اعتبار تسمیه‌اش در ردیف تعابیری از قبیل منع و حبس و نهی و حَجْر و ... قرار دارد . تمام این موارد درباره‌ی زشتی‌ها به‌کار می‌روند . اما اندکی تأمل کافی است تا دو سویه بودنِ مطلب روشن شود : درک حُسن و قُبْح در انسان ، توأمان تحقق می‌یابد یعنی فهم خوبی رویه‌ی دیگر فهم بدی است .

ما در هنگام درک عقلانی فقط قبح قبیح را نمی‌بینیم بلکه هم‌زمان حُسن حَسَن را نیز درک می‌کنیم و این دو با هم ایجاد می‌شوند . لذا وقتی کسی ناپسندی عملی را می‌یابد ، فهم یک حَسَن نیز برایش حاصل می‌شود ، ترک آن قبیح ، همان حَسَنی است که او فهمیده است . پس ادراک قبیح هر عمل قبیح ، با فهم حُسن یک عمل حَسَن تلازم دارد .

البته این ادراک دو رویه ، خود به دو گونه ممکن است :